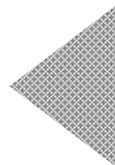


توسعه شهر ایرانی اسلامی و مدرنیته



محمد رحیم رهنما^۱

بهنام عطا^۲

(تاریخ دریافت ۹۵/۲/۱ - تاریخ تصویب ۹۵/۶/۱۵)

چکیده

شهر ایرانی اسلامی مفهومی برای معرفی شهرهایی متأثر از فرهنگ و آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی است. شهرهایی که در کالبد، بافت، وضعیت اجتماعی و همچنین شهرنشینی کاملاً رنگ بوی فرهنگ غنی ایران آمیخته با اسلام را دارد، حقیقت و روح عصر جدید، مدرنیته است و تحقق آن مبتنی بر تأسیس مبانی مدرن در تفکر بشر است، و در مسیر تاریخی خود با مسئله تغییر شکل شهرها و رشد شهرنشینی و پیدایش نهادهای جدید اجتماعی، حضور مردم در عرصه‌های مختلف و ایجاد نظام‌های قانونی همراه شده است. ولی شهر اسلامی دارای کمبودهایی از جمله مصالح ساختمانی و تجهیزات مدرن می‌باشد که با ورود مدرنیته این کمبودها برطرف می‌شود، ولی در مقابل استفاده ناصحیح از مدرنیته که امروزه شاهد آن هستیم باعث دگرگونی‌هایی در شهر اسلامی شده است. هدف اصلی این مقاله، حفظ و توسعه ارزش‌های شهر ایرانی اسلامی با استفاده صحیح از مدرنیته و فناوری‌های ارتباطات نوین می‌باشد، که به جای دگرگونی کامل در شهر و ایجاد ساختمان‌های بی‌روح، شهرنشینی سرد و بی‌روح، شهر غرب‌زده کامل، یک شهر ایرانی اسلامی توسعه‌یافته مدرن و با روح کامل ایرانی اسلامی بر

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، b.behnamata@gmail.com

اساس سنت‌های قدیمی با همکاری‌های اجتماعی و ارزش‌های محله‌ای و همسایگی ایجاد و آن را تقویت نمود.

واژگان کلیدی: ایرانی اسلامی، مدرنیته، شهرنشینی، توسعه، محله‌ای.

۱- مقدمه

با ورود اسلام به ایران، شهرنشینی وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره، شالوده زندگی شهری شکل گرفته در زمان ساسانیان، دگرگونی پذیرفت. در دوره پس از ورود اسلام به ایران، قوانین اسلامی وارد زندگی شهرنشینان شد. این قوانین در روابط اجتماعی و اقتصادی جوامع شهری و روستایی تأثیر قابل توجهی داشت. استقرار مسجد نیز در بافت شهرها، به تغییر شکل کالبدی آن‌ها منجر شد (دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۱).

روند شهرنشینی در قرون اول و دوم هجری قمری از رونق مناسب برخوردار نبود. این امر دو دلیل عمده داشت: عامل اول اوضاع آشفته ایران قبل از ورود اسلام به ایران بود. عامل دوم را نیز باید در عدم آشنایی اعراب با مدیریت مورد نیاز در مورد اداره شهرهای تسخیر شده و یا ایجاد شهرهای جدید جستجو کرد. شهرنشینی در ایران از قرون سوم تا ششم هجری قمری در اثر گسترش و رونق بازارهای داخلی و رابطه آن‌ها با بازارهای خارجی از توسعه سریعی برخوردار شد. در این زمان شهرهای مهمی با صدها هزار نفر جمعیت شکل گرفتند. در قرن چهارم هجری قمری، بزرگترین شهرهای ایران که از شهرهای اروپا در قرون وسطی مهمتر و پرجمعیت‌تر بودند، در مسیر راههای کاروان‌رو و طرق تجاری قرار داشتند (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۴۵). یورش مغول در قرن هفتم هجری قمری شهرنشینی را از رونق انداخت. از عوامل مهم و مؤثر در رکود شهرها و آهستگی رشد آن‌ها پس از این یورش یکی زوال کشاورزی بود و دیگری مالیات‌های سنگین بر کسبه و پیشه‌وران شهری و بیگاری کشیدن از آنان بود (اشرف، ۱۳۵۷: ۵۰). در زمان حکومت صفویه اوضاع کشور رو به بهبودی رفته و صنعت، تجارت و کشاورزی رونق گرفت. ایجاد وحدت سیاسی و اداری کشور توسط فرمانروایان سلسله صفوی به عنوان یک عامل مهم، شرایط گسترش بازرگانی و کشاورزی را فراهم کرد. این افزایش و رونق تجارت مستلزم وجود راهها و جاده‌هایی امن بود. مقررات وضع شده در زمان شاه عباس اول به این نیاز

پاسخ گفت (دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۶). با ایجاد امنیت در راهها، کاروانسراهای متعددی همراه با استراحتگاههای زیاد در فواصل بین شهرها، خصوصاً مناطق کویری و حواشی بیابانها تأسیس شد. مراکز پستی و نظامی متعددی نیز بنا نهاده شد که باعث تردد و ارتباط بین شهرها گردید. در شهرها نیز جهت اداره امور و کنترل جمعیت، مراکز حفظ نظم و رسیدگی به امور خلاف تأسیس گردید (مستوفی الممالکی، ۱۳۶۴). بنیانهای زندگی شهری در دوره پس از ورود اسلام با عناوین نحوه اداره امور شهر، مراکز مذهبی و آموزشی انجمنهای صنفی شهر و محلات شهر است. مطالعه اجزا اصلی نظام اجتماعی شهر به خاطر روابط نزدیکی که با عناصر کالبد شهری دارد، از اهمیت بسیاری برخوردار است (دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۹).

با روی کار آمدن رضاخان، شهرنشینی در ایران وارد مرحله جدیدی گردید. خصوصیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری که در حکومتهای قبلی وجود داشت، دچار تحول شد. در رابطه شهر و روستا دگرگونی حاصل آمد و شهرنشینی به تبع این تحولات ابعاد تازه‌ای پذیرفت. روند و میزان آن نیز شکلی متفاوت با زمانهای قبلی یافت. بدین ترتیب اقدامات عمرانی بسیاری در شهرها به تبعیت از الگوهای شهرنشینی و شهرسازی غربی و به دنبال نفوذ اتومبیل به داخل شهرها و افزایش روزافزون آن صورت گرفت، شهرها امکانات جدید را در خود جای دادند و زمینه انجام تغییرات سیاسی و اداری را فراهم ساختند. مکان‌گزینی این امکانات از یک طرف متأثر از تنوع سرزمینی ایران و عدم امکان تعمیم پیشرفت‌ها و تحولات جدید در تمام نقاط کشور بوده و از طرف دیگر نیز خواست‌های سیاسی و موقعیت‌های نظامی یا اداری شهرهای بزرگ و مهم آن زمان ایجاب می‌کرد که تمرکز در آنها صورت بگیرد. بدین ترتیب شهرنشینی و شهرسازی به شیوه جدید در شهرهای بزرگ شکل گرفت. پس از این مرحله، روند شهرنشینی و شهرسازی جدید به سایر نقاط کشور گسترش یافت. در سالهای بعد از انقلاب اسلامی در ایران، در حقیقت دوران تحولی بود که از یک سو وارث نتایج و آثار سیاست‌ها و اقدامات گذشته و از سوی دیگر مواجه با مشکلات خاص خویش بود. بدین ترتیب که ورشکستگی نظام بانکی به علت پرداخت بی‌رویه اعتبارات و خروج شدید سرمایه از کشور، نخستین واکنش قابل پیش‌بینی اقتصاد بیمار و وابسته در شرایط بحرانی بود (رزاقی، ۱۳۶۷: ۳۰). بروز جنگ تحمیلی، مهاجرین بسیاری را از مناطق شهری و روستایی مناطق جنگ‌زده، روانه شهرهای استانهای همسایه و یا شهرهای دیگر استانهای جنگ‌زده کرد. این امر علاوه بر تشدید شهرنشینی، به ناهماهنگی آن

نیز دامن زد (دهاقانی، ۱۳۷۴: ۵۵).

تغییراتی که همزمان با جریان نوگرایی و مدرنیسم موجب شده ساختار شهرهای قدیم ایران زمین به کلی دچار انقطاع، فراموشی هنجارهای کهن ایرانی و ناهنجاری‌های فراوان اجتماعی و فرهنگی شود. بی‌شک، بخش عمده‌ای از ناهنجاری‌های فراوان اجتماعی و فرهنگی بویژه در کلان شهرهای امروزمین ما، ناشی از نقش مخرب شهرسازی است. ساختمان‌های درون هم تینده‌ای که بشدت با داشته‌های فرهنگی ما غریبه است و می‌کوشد با چهار گوشه‌های تند و تیز، مکعب‌های جفت شده و عاری از هرگونه سنت‌گرایی، حس آرامش خانه‌های قدیمی را از دل‌هایمان بزدايد و حس هنجارناپذیری را به روانمان القاء کند. از سویی دیگر اندیشمندانی مانند فالیکوف، کارکردهای دیگری را هم به نقش شهرها می‌افزایند و آن قالب فرهنگی است که به مدد زندگی شهرنشین امروزی به کالبد شهرهای جدید دمیده می‌شود، امری که با نگاه به نسل‌های قدیمی و جدید ایران زمین به‌خوبی قابل مشاهده است. از سویی دیگر اندیشمندانی مانند فالیکوف، کارکردهای دیگری را هم به نقش شهرها می‌افزایند و آن قالب فرهنگی است که به مدد زندگی شهرنشین امروزی به کالبد شهرهای جدید دمیده می‌شود، امری که با نگاه به نسل‌های قدیمی و جدید ایران زمین به‌خوبی قابل مشاهده است. بی‌شک، شهرهای امروزمین ما با خانه‌های سر به هوا، دیوارهای بتونی و پنجره‌های فولادی نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت انسان‌های ماشینی دارند، امری که به‌خوبی تأثیر متقابل آن را می‌توان در رفتارهای شهرنشینان امروزی مشاهده کرد. شاید از معدود راهکارهای مهار این تأثیرگذاری مخرب، نگاه دقیق و تحلیلی به عناصر و ویژگی‌های منحصر به فرد معماری اسلامی ایرانی‌مان در طول تاریخ و استخراج عناصر مفید آن و استفاده از آن در معماری سرزمین‌مان به معماری امروز شهرها باشد. عناصری سر راست و گاهی رمزآلود، که ساختمان‌های جدید را از ظاهری ملون به باطنی پرمعنا سوق می‌دهد. بنابراین با به کارگیری صفات نظم در شهرسازی ایرانی، اسلامی مانند وحدت در کثرت، تعادل، زیبایی، هماهنگی عملکردهای شهری با نیازهای انسان، هماهنگی ابعاد و تناسبات فضاها و ساختمان‌ها با توان روانی انسان، هماهنگی فرم‌ها و اشکال با یکدیگر، تناسبات و هندسه حاکم بر شهر، هماهنگی فضاها و فرم‌ها و کالبد با عملکردها، هماهنگی عملکردها و فرم‌ها و رنگ‌ها و فضاها همجوار، هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ها با شرایط محیطی و اقلیمی و هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ها با یکدیگر می‌توان به تناسبات بین فرم و عملکرد، تناسبات بین فرم و

ارزش‌های حاکم بر جامعه و تناسبات بین عملکردهای همجوار دست یافت
(<http://shahrkhabar.ir>).

۲- روش تحقیق

با توجه به گسترش شهرها در این مقاله با استناد به منابع تاریخی در زمینه شهرنشینی و شهرسازی و با توجه به گسترش بدون برنامه شهرها، امروزه با توجه به شهرسازی مدرن بدون برنامه امروزی، در این مقاله با استناد به این منابع و روش تطبیقی-تحلیلی و تلفیق معماری و شهرنشینی مدرن در قالب شهرسازی ایرانی اسلامی سابق می‌پردازیم که ضمن حفظ ارزش‌های والای شهر ایرانی اسلامی از مدرنیته نیز غافل نمی‌شود.

۳- یافته‌های تحقیق

معماری اسلامی - ایرانی

معماری اسلامی - ایرانی به گونه‌ای از معماری اطلاق می‌شود که در مرتبه مفهوم منبعث از اصول دین مبین اسلام، در مرتبه معنا دارای ارزش‌های پایدار مبتنی بر بینش عرفانی ایرانی و در مصداق مبنی بر ویژگی‌های بستر طبیعی، فرهنگی و تاریخی سرزمین ایران بوده و در هر یک از بازه‌های زمانی متناسب با ویژگی‌ها و نیازمندی‌های مراتب گوناگون معنوی و مادی جوامع انسانی و با استفاده بهینه از علوم، فناوری و مهندسی شکل می‌گیرد. هدف از ایجاد این گونه از معماری فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تکامل و تعالی انسان‌ها مطابق با آموزه‌های دین اسلام بوده و نمونه‌های آن را می‌توان پس از ظهور اسلام تا آغاز سال ۱۳۰۰ هجری خورشیدی در حوزه فرهنگی ایران ملاحظه نمود.

شهر اسلامی - ایرانی:

به شهری اطلاق می‌شود که مکان تحقق تمدن بوده و از نظر مفهومی منبعث از اصول دین مبین اسلام و در معنا دارای ارزش‌های پایدار مبتنی بر بینش عرفانی ایرانی و در مصداق مبنی بر ویژگی‌های بستر طبیعی، فرهنگی و تاریخی بوده و در هر یک از بازه‌های زمانی متناسب با ویژگی‌ها و نیازمندی‌های مراتب گوناگون معنوی و مادی جوامع انسانی و با استفاده بهینه از علوم، فناوری و مهندسی شکل می‌گیرد. هدف از ایجاد این گونه از شهرسازی، فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تکامل و تعالی انسان‌ها مطابق با آموزه‌های دین اسلام بوده و در این زمینه

توسط روابط اجتماعی و نیز تولید مظاهر فرهنگ و تمدن به ویژه در آثار هویت‌مند هنری تجلی یافته است. نمونه‌های مصداقی آن را می‌توان پس از ظهور اسلام تا آغاز سال ۱۳۰۰ هجری خورشیدی در حوزه فرهنگی ایران ملاحظه نمود (شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۹۱). در تفکر و جهان‌بینی اسلامی، توجه به جنبه معنایی و باطنی پدیده‌های عالم حائز اهمیت است، چرا که به نظر می‌رسد جهان‌بینی اسلامی و نوع نگرش به جهان هستی در سایه فرهنگ اسلامی، در خلق آثار معماری مسلمین نقش بسزایی داشته و معانی منبعث از مبانی جهان‌بینی اسلامی در خلق معماری مؤثر هستند.

معماری معناگرا (تجلی معانی منبعث از مبانی جهان‌بینی اسلامی در معماری اسلامی)

ارزش‌های هندسی: «قد جعل الله لكل شیء قدرا: بی‌تردید خدا برای هر چیزی اندازه‌ای نهاده است» (طلاق، ۳).

هندسه در علوم اسلامی، پیوند تنگاتنگی با مفهوم «قدر» در قرآن دارد. «مهندس» در ساخت هنر اسلامی، باز آفریننده صور عالم مثال در دو بعد تجریدی و مادی است. بعد تجریدی در صور انتزاعی، خود را نشان می‌دهد و بعد مادی در قالب معماری. که خود نوعی تأویل و نمادی از معناست (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۹۳).

نور: نور در معماری معناگرا می‌تواند نمایانگر حضور الهی باشد.

نماد و رمز: نماد در لغت به معنای «نمود و نماینده» آمده است (عمید، ۱۹۱۹: ۱۳۸۱). در معنای رمز نیز می‌خوانیم: «ایماء، اشاره به چیزی، راز نهفته» (همان، ۱۰۵۶). توجه به جنبه نمادین معماری می‌تواند در طراحی معناگرا مورد توجه قرار گیرد. در واقع از منظر معناگرایی، عالم سرتاسر رمز است و نماد.

افزایش فضا و کاهش ماده، سبکی و شفافیت: یکی از نتایج اصل متافیزیکی «توحید»، اهمیت معنوی فضای خالی است (نصر، ۱۳۷۵: ۱۷۹). کلمه شهادت یعنی «لا اله الا الله» از دو جهت اشاره به اصل توحید دارد. اول اینکه هر آنچه ماسوی الله است، گذرا بوده و سرشتی غیر اصیل دارد و عالم ماده ناپایدار است. دومین مسئله این است که خداوند ورای محسوسات ذهنی و عینی است. طبق تعبیر اول، از آنجا که خداوند، وجود ناب است، اگر وجود را شیء بنامیم لاجرم

جنبه‌ای از نیستی یا خلأ وجود دارد که در طبیعت کل نظام خلقت نهفته است و پیامد مستقیم این حقیقت آن است که علی‌الاطلاق، فقط خداوند واقعی است. همچنین بر اساس تعبیر دوم، اگر اشیاء را به مفهوم متداول تلقی کنیم، آنگاه خلأ، یعنی آنچه از اشیاء تهی است، به صورت اثر و پژواک حضور خداوند در نظام هستی جلوه می‌کند، زیرا از طریق نفی اشیاء در واقع به آنچه ورای همه چیزهاست اشاره دارد. بنابراین فضای خالی مظهر تنزه و تعالی پروردگار و حضور او در تمام اشیاء است. فضای خالی، یکی از ابزارهای مهم ایجاد شفافیت در فضا است (مفید، ۱۳۷۸: ۳).

انعکاس: استفاده از خاصیت انعکاس عناصری چون آب و آینه، می‌تواند در معماری معناگرا مورد توجه قرار گیرد. در اندیشه فلسفی اسلام، عالم مثال یا عالم خیال، واسطه میان دو ساحت هستی، عالم مفعول و محسوس است. با توجه به مفهوم مثل و عالم مثال می‌توان پلی از اندیشه به کالبد زد و صفات آسمانی را صوری مادی بخشید.

عناصر طبیعت در فضای معماری: در فرهنگ اسلامی، عناصر خلقت، آیات و نشانه‌های پروردگار هستند. نگاه آیه‌ای به طبیعت و عناصر آن از جمله گیاهان، آب و... منجر به نقش مهم این عناصر در معماری معناگرا می‌شود (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹: ۴۶)

پیوستگی محله‌ای

شکل دیگر همبستگی در شهرهای اسلامی بر مبنای سکونت در محله بود، تعصب محله‌ای در شهرهای اسلامی از پیوندهای قومی، مذهبی و خاستگاه روستایی ساکنان نشأت می‌گرفت. در شهرهای سنتی ایران، نواحی مسکونی به محله‌ها مختلف و مجزا تقسیم می‌شدند و افراد با علایق مشابه یا سوابق یکسان در محله‌های خود برای تأمین راحتی، حمایت و امنیت بیشتر گرد هم می‌آمدند. تقسیم محله‌ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی با خاستگاه شهری و روستایی بود (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۶). وحدت در محله اغلب به معنای وحدت و یکپارچگی اجتماعی در شهر نبود، اجزای اصلی تشکیل‌دهنده شهر (اصناف و محله‌ها) به قسمت‌های مجزا تقسیم شده بودند و تابع هیچ سلسله مراتبی نبودند. محله‌ها همپای توسعه شهر، سازماندهی نشده و همه آنها ساختارهایی کاملاً مستقل را تشکیل می‌دادند (ریمون، ۱۳۷۰: ۳۴). این ویژگی نه تنها خاص ایران نبود، بلکه جغرافیای شهرهای بزرگ اسلامی نظیر قاهره، دمشق،

حلب و بغداد نیز گویای این واقعیت هستند که شهرهای اسلامی، مجموعه‌ای از جماعت‌های جداگانه بودند، نه جماعت‌هایی دارای وحدت اجتماعی. شهرها به محله‌ها و بخش‌هایی تقسیم شده بودند و هر بخش همگونی اجتماعی و نیز بازار کوچک خاص خود را داشت. همبستگی اجتماعی این بخش‌ها یا به عبارتی دهکده‌های درون شهرها، بعضاً منعکس‌کننده هویت دینی ساکنین آن‌ها بود. ناهمگونی گروه‌ها که از لحاظ فیزیکی نیز در شهر جدا از هم بودند، از قبیله‌گرایی صرف فراتر بود. برخی کشمکش‌های شهر نیز با فرقه‌های گوناگون و همچنین با مکاتب فقهی مختلف ملازم می‌گردید (ترنر، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

مدرنیسم

واژه مدرنیسم به معنای نوگرایی و نوسازی است و مدرنیزاسیون، منتج از مدرنیسم و مبتنی بر مدرنیته و افکار مدرن است. پیدایش مدرنیته با پیدایش جوامع مدرن (کشورهای اروپای غربی) هم‌زمان بوده است ولی در اینکه آغاز مدرنیته چه زمانی است میان محققان توافق نیست ولی عمدتاً از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰ مدنظر است (ضمیران، ۱۳۸۳: ۶۲). آغاز عصر مدرن رویدادی بود که در آن مجموعه اندیشه‌ها قوام یافته بودند تا جنبش‌های جدیدی را که تجسم‌بخش روح جامعه صنعتی بودند شکل دهند. مصالح و روش‌های نوین ساخت و ساز به معماران و مهندسیان این توان را داده بود تا شیوه‌های ساخت و ساز را کشف کنند.

با ظهور عصر صنعت و گسترش صنایع تولید انبوه بسیاری از مردم به سرعت از شیوه زندگی قرون وسطی به شیوه زندگی مدرن گرویدند (کاستیاتایدز، ۱۳۸۱: ۱۰).

انگیزه اصلی مدرنیسم کم کردن توان سرمایه‌داری صنعتی بود که به عنوان واسطه بین سرمایه‌دارانی عمل کرده بود که شهرها را توسعه داده بودند. شهرهایی که بدون کیفیت مطلوب فقط برای تولید ساخته شده بودند (مک لود، ۱۳۸۳: ۴۶). هدف اصلی مدرنیسم حذف تدریجی ساختار اجتماعی منفرد و جایگزین کردن با یک بنیان واحد و جامع بود. مدرنیسم نوعی پیوستگی با اهداف اجتماعی دارد.

نیاز به پروژه‌های مسکن عمومی در اروپا و روسیه، سبب تبلور دیدگاه‌های نوین در بین معماران و شهرسازان گردید. و پیدایش شهرسازی معاصر ممکن نبود مگر بعد از تغییرات مهم فنی، اقتصادی و اجتماعی که به انقلاب صنعتی شهرت دارد و طی نیمه دوم قرن ۱۸ در غرب اروپا به

وقوع پیوست (اوستروفسکی، ۱۳۷۱: ۴).

نبوغ جامعه مدرن مرهون اندیشه‌ای بود که مفروضات جامعه جدید صنعتی را بر اساس متغیرهای موجود در جامعه آن زمان، سازماندهی و تبیین می‌نمود. درباره مدرنیته و مدرنیسم نظر واحدی وجود ندارد، ولی مدرنیسم در معانی زیر بکار می‌رود:

- گرایش فرهنگی که از دل مدرنیته بر آمده بر تجربه فرهنگی دلالت دارد که ماهیت آن روشن و شفاف نیست. این امر از ابهام مدرنیته سر چشمه می‌گیرد.
- روش نوین زندگی عصر جدید؛ جنبشی عظیم که از دل حرکت‌های اصلاح‌طلبانه و در واکنش به شهرهای صنعتی قرن ۱۹ بود.
- عکس‌العملی فرهنگی به فرآیند مدرنیزاسیونی بود که با رشد سرمایه‌داری در سده‌های ۱۹ و ۲۰ همراه می‌شد.

آشنایی با فلسفه وجودی مدرنیته و نگاه از بالا بر این چرخه پر تلاطم و ویران کننده و نگاه از این منظر بر امور شهرسازی معاصر می‌تواند ما را به تعادل و حضوری آگاهانه در زمان و مکان برساند و طرح‌ها و برنامه‌های موجود را به طرح‌هایی آگاهانه و منعطف بدل کند و شهر و نوشهرها را به مثابه یک امر در فرایندی تحلیلی مورد توجه قرار دهد. در این صورت ذهنیت شهر یا نوشهرها با ذهنیت برنامه‌ریزان و ذهنیت ساکنین نزدیک می‌شود و فضاهای شهری و نوشهرها معنای حقیقی خود را بدست می‌آورد (جابری مقدم، ۱۳۸۴).

در تمامی مسیر تطور انسان مدرن تجمع آدمیان در شهر پدیده‌ای به نام جمعیت شهری را فراهم آورده است. شهروندی و جامعه مدنی دو مفهومی هستند که همواره با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند جامعه مدرن همان جامعه مدنی است. چون مهمترین ویژگی جامعه مدرن پیوستگی تفکیک‌ناپذیر آیین شهروندی و مشارکت مدنی است و در مرکزی بنام شهر و حرکت مردم به سمت تکوین جامعه مدنی است که از مفهوم Town به مفهوم City می‌رسیم. پس قهرمان اصلی جامعه مدنی شهروند است که مشارکت از حقوق اوست.

جریانی که اندیشه مدرن به راه انداخت باعث شد تا درک این واقعیت فراهم گردد که شهر، اندام‌واره‌ای است که کالبد فیزیکی و ابنیه منفرد تنها بخشی از آن است و ساکنین شهر اصلی‌ترین بخش شهر یا محتوای شهر را تشکیل می‌دهند که با مدرن شدن شهر خواسته‌های جدیدی پیدا کردند.

در این زمان مسئله اصلی در تغییر شهرها مسائل کالبدی نبود بلکه این تغییر رفتارها و خواسته‌های ساکنان در شهر بود که تغییرات فیزیکی را به دنبال داشت که در ادامه به تعدادی از این تغییرات اشاره خواهد شد.

خصوصیات مدرنیزاسیون شهری

- تفکیک عملکردها به عنوان یکی از بنیان‌های اساسی سازماندهی شهرهای جدید؛
- قطعه‌قطعه‌سازی در بافت شهری؛
- وحدت شکلی؛
- معماری بدون تزئینات: طراحی بر اساس خواسته‌های شخصی معمار؛
- همگانی شدن؛
- نابرابری؛
- سیستم‌های حمل و نقل انبوه: برای از بین بردن شکاف فاصله‌ها و با استفاده از نیروی برق؛
- تکنولوژی: با بکارگیری بتن مسلح، پلان‌های طبقاتی آزاد و تکنیک‌های ساختاری شفاف و بی‌حفاظ برای معضل انبوه مسکن؛
- اقتصاد فضا: به عنوان اولین و شاید مهمترین اصل در فضا‌سازی قلمداد می‌شد؛
- انتزاع‌گرایی: به منظور هدایت جوامع به از دست دادن حس هویت مکانی، اجتماع شهری و فضای جمعی مورد انتقاد قرار گرفته است؛
- ایجاد مفاهیمی چون تکاثر، انعطاف، پایداری فضا و خوانایی در شهر (نشانه‌ها)؛
- ایجاد بلوار و خیابان به عنوان صحنه اتفاقات و محل نمایش اعداد (مک لود، ۱۳۸۳: ۴۴).

بحران ناشی از مدرنیزاسیون شهری

بحران ناشی از مدرنیزاسیون شهری به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. اول مقیاس مشکلات اجتماعی و کالبدی در شهر مدرن (نابرابری، قطعه‌قطعه سازی و بیگانگی، در منظر اجتماعی و کالبدی شهرها) و دیگری مسائلی که در سطح بالاتری مطرح می‌شوند: هدف از وجود شهر چیست؟ ارزش‌ها کدامند؟ هویت شهر چیست؟ (به نظر می‌رسد که نظام‌ها و مجموعه‌های نوین شهری از ایده‌های سنتی فرهنگ و زندگی شهر فاصله دارند).

جدول (۱)-پیامدهای مدرنیته در مقایسه با دوران پیش از مدرن

دوران مدرن	عهد پیش از مدرن
دستیابی به نوع جدیدی از وفاق اجتماعی که از بیخ و بن با دولت‌های پیش از مدرن تفاوت دارد. نمادهای اصلی این شکل جدید، مفاهیم ملت و دولت ملی هستند.	- حاکمیت دستگاه سلطنت یا ارباب مذهب - حاکمیت فرایند ارباب و رعیت، خداوندگان و بندگان در روابط اجتماعی - اجتماعات به صورت خانواده، ایل، قبیله، عشیره و امت
- پویایی مدرنیته: این پیامد که خود عامل تغییرات بسیار دیگری بوده و هست ناشی از جدایی زمان و مکان از یکدیگر است و دلیل آن، اختراع ساعت مکانیکی و شیوه واحد سنجش زمان در دنیا بوده است.	- هر فرهنگی در هر جای از دنیا شیوه جداگانه‌ای برای محاسبه زمان داشت و در عین حال، زمان و مکان با یکدیگر پیوستگی کامل داشت. - ایستایی - حضور مکان خاص - وقوع زمان خاص
تهی شدن مکان و تهی شدن زمان	زمان و مکان کاملاً بر هم منطبق بودند. ابعاد مکانی زندگی اجتماعی برای همه انسانها و از همه جهت تحت تسلط، حضور یا تحت تسلط فعالیت‌های محلی بود.
تقویت روابط میان دیگران غایب که از جهت محلی از هر گونه موقعیت تعامل و کنش رو در رو فاصله دارند.	روابط میان افراد فقط با تعامل و کنش مستقیم و رو در رو حاصل می‌شود.
آنچه که ساختار یک موقعیت محلی را تعیین می‌کند، لزوماً همان چیزی نیست که در همان صحنه حضور دارد.	ساختار هر موقعیت محلی فقط و فقط با حضور کالبدی اشیا و افراد شکل می‌گرفت و تعریف می‌شد.
تاریخ‌گرایی بنیادی (Basic Historicity) با ترسیم نقشه سراسری از کره زمین و در نتیجه پدیده تهی شدن زمان و مکان شکل‌گیری تاریخی واحد از گذشته جهان میسر گردیده، این به معنای تفسیر واحد از تاریخ نیست، بلکه باز ترکیبی از زمان و مکان برای شکل‌گیری یک چارچوب اصیل تاریخی جهانی است.	دستیابی به تاریخ واحد و مشترک به دلیل انطباق زمان و مکان امکان‌پذیر نبوده است.
تشکیل مفهوم جامعه مدنی به عنوان یک از کشف‌های دنیای مدرن	مفهوم نداشتن آیین شهروندی بر اساس الگوی جامعه مدنی
-کنده شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی هم کنش و تجدید ساختار این محیط‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی - مکانی (Disembedding) - جهانی شدن	نظام‌های تنگ دامنه با مرزهای مشخص
خلق نشانه‌های نمادین به منزله قابلیت‌های انتزاعی (از قبیل پول، مشروعیت سیاسی، استقرار نظام‌های تخصصی ...) برای تثبیت روابط	به دلیل محدودیت دامنه و گستره تمامی فعالیت‌ها امور غالباً با قراردادهای و روابط سلیقه‌ای و غیرنمادین به سرانجام می‌رسید؛ از قبیل داد و ستد پایایی و ...
اهمیت اساسی به مفاهیم مخاطره و اعتماد ناشی از توجه به این واقعیت در راستای مدرنیته است که بیشتر احتمالاتی که بر فعالیت بشری تأثیر می‌گذارد، زاییده انسان‌اند و نه خدا و طبیعت	اساسی بودن مفاهیم خطر و اطمینان ناشی از کیهان‌شناسی دینی به عنوان شیوه‌های اعتقاد و عملکرد انسان‌ها بود که تفسیر مثبتی از زندگی انسان در پرتو خدا و طبیعت به دست می‌داد.

منبع: (جابری مقدم، ۱۳۸۴)

مدرنیته در شهرسازی و معماری ایران

تفکر اجتماعی، اندیشیدن به ساختمان نه به مثابه زیستگاه‌های فردی، بلکه به عنوان سکونتگاه‌های جمعی معماری معاصر در هر حال رنگ شهرسازی گرفته و در همه حال شهر را در افق دور یا نزدیک خود می‌بیند و ناچار است با ذهنیت شهری یا بهتر بگوییم با ذهنیت دموکراتیک خود که ناشی از شکل جدید دولت ملی است، دست به طراحی بزند. کارکرد: کارکردی بودن تبلوری از شکل‌گیری طبقات اجتماعی، مکانیسم کار اجتماعی (جامعه در قالب شهر و کارکرد در قالب رفاه اجتماعی).

ثمرات ورود مدرنیته در شهرسازی معاصر ایران

بحث مدرنیته در شهرسازی ایران دهها سال است که بدون یافتن نتیجه‌ای مؤثر و کاربردی ادامه دارد. نبود هویت در شهرسازی معاصر، پدیده‌ای است که اهل فن به آن معترف‌اند، اما بیهوده است که نبود چنین هویتی را در کل به معنای نبود اجزای هویتی در جای جای این معماری بینداریم. آنچه نتوانسته در شهرسازی معاصر انسجام و پیوستگی با مفهوم ملیت ایجاد کند، نبود محتوا در آن است. شاید بتوان گفت مدرنیته، بیش از هر چیز گویای نوعی پریشان مغزی^۱ جدایی و ناهمگنی کامل میان دال و مدول بوده که تبلور کالبدی آن را در انتخاب اشکالی به کلی ناهمگون و حتی متضاد با اندیشه‌ها و محتواها دیده‌ایم.

از ثمرات ورود مدرنیته به شهرسازی و معماری معاصر:

- ساختمان‌های بدون دلیل بلند؛
- تقسیم‌بندی‌های غیر منطقی فضاهای مسکونی؛
- شریان‌های نامناسب حمل و نقل؛
- انتقال کالبد‌های عمومی به خصوصی (حمام بدون از میان رفتن نیاز به فضاهای عمومی)؛

- تقسیم‌بندی شهرها بر اساس طبقات اجتماعی با یک تحرک اجتماعی بسیار شدید و بی‌پایه و غیر منطقی؛
- موجب حرکت غیر قابل کنترل اقشار اجتماعی در سطح بافت‌های شهری؛
- رشد شهرنشینی بی‌منطق، بدون مهار و بدون کوچکترین توجهی به حفظ محیط زیست؛
- آلودگی تمام منابع و زیستگاه‌های انسانی و اتلاف عمومی منابع انسانی، مادی و ثروت‌های زیر زمینی (فکوهی، نامشخص: ۲۵).

تلفیق شهر اسلامی با مدرنیته

ورود مدرنیته به ایران بعد از عصر صنعتی، سبب دگرگونی‌های بسیاری در ساخت، بافت، کالبد، اقتصاد، اجتماع و... در شهرها و همچنین دگرگونی‌های فرهنگی در شهرنشینی به مفهوم غربی گردید، که باعث از بین رفتن ارزش‌های والای شهر ایرانی اسلامی گردید که در طول تاریخ طولانی اسلام حفظ شده بود. ارزش‌هایی که در کالبد و روح شهرهای ایران اسلامی قبل از ورود مدرنیته وجود داشت از قبیل حمام‌های عمومی، بازارچه‌ها، کاروانسراها، چایخانه‌ها، بازار، مساجد سنتی، مکتب‌خانه‌ها، کوچه‌های ایرانی اسلامی با معماری ویژه خود و ارزش‌های والای فرهنگ ایرانی اسلامی که اهالی کوچه دارای صمیمیت و تشکل‌های اجتماعی قوی بودند که کاملاً ارزش‌های فرهنگی ایرانی در کوچه‌ها و اهالی آن نمایانگر بود، ولی با ورود مدرنیته و عصر صنعتی و ارتباطات بسیاری از این موارد از بین رفتند و یا کاملاً تغییر پیدا کردند و فرهنگ‌های بیگانه را وارد ایران کردند، با ایجاد ساختمان‌های بزرگ بدون روح، مفهوم همسایگی برچیده شد و عملاً خانه‌های قدیمی در پشت این برج‌های بزرگ رنگ باخت. با ایجاد ساختمان‌های تجاری بزرگ بازارچه‌های قدیمی جای خود را به پاساژهای شیک دادند، با عمودی‌سازی دیگر کوچه‌ها جای خود را به خیابان‌های بزرگ و محل عبور و مرور و آلودگی دادند، کوچه‌های امروزی مفهوم دیگری یافتند، و دیگر از آن تشکل‌های اجتماعی و مشارکت‌های مردمی و پیوستگی محله‌ای خبری نیست، کاروانسراها به هتل‌های پنج ستاره تبدیل شدند، چایخانه‌های به کافی‌شاپ‌های بدون روح تبدیل گردیدند و از شهرنشینی قدیمی چیزی جز خرابه‌های آن بناها در بعضی از شهرهای کشورمان نمی‌بینیم که آن‌ها نیز در حال نابودی

می‌باشند. توسعه ارتباطات اگر چه باعث تسهیل بسیاری از امور گردید ولی در مقابل باعث شد بسیاری از ویژگی‌های شهر ایرانی اسلامی برچیده شود، دور هم جمع شدن‌ها جای خود را به گروه‌های چت در رایانه داد، گروه‌های اجتماعی محله‌ای جای خود را به گروه‌های چت در اینترنت داد، که نه تنها باعث حل مشکلات نشد بلکه باعث افزایش مشکلات گردید. در مورد فناوری که مشکلات آن از فواید آن برای ایران بیشتر بود؛ هدف این مقاله استفاده از این فناوری‌های نوین و همچنین مدرنیته با حفظ و توسعه ارزش‌های والای فرهنگی ایرانی اسلامی است که به این ترتیب می‌باشد: استفاده از مدرنیته و ساختمان‌های مجهز و مقاوم امری ضروری می‌باشد که از ویژگی‌های مثبت مدرنیته می‌باشد ولی باید در این ساختمان‌های بلند و بدون روح، روح و ارزش‌های ایرانی اسلامی را وارد کرده و مفهوم همسایگی را به آپارتمان‌ها برگرداند و تشکل‌های اجتماعی را در هر آپارتمان تشکیل داد، چایخانه‌های سنتی را به صورت مجهزتر و مدرن در سطح محلات و خیابان‌ها و جاده‌های شهر تشکیل داد و با استفاده صحیح از فناوری ارتباطات و اینترنت، باعث کاهش بسیاری از رفت و آمدها و کاهش آلودگی و سروصدا در شهر شد. مراسم مذهبی مختلف در سطح مساجد محلات را به صورت آنلاین بین استفاده‌کنندگان آنلاین از شبکه از طریق موبایل و رایانه به اشتراک گذاشت. هتل‌های مدرن با حفظ ارزش‌های اسلامی و معماری آمیخته ایرانی اسلامی می‌توانند ارزش‌ها را حفظ و از نمادهای ایرانی اسلامی بهره ببرند. برای معماری بناها در شهرها می‌توان از یک معماری ایرانی اسلامی آمیخته با مدرنیته استفاده کرد که علاوه بر رفع کمبودهای معماری ایرانی اسلامی با بهره‌مندی از صورت مدرن و مجهز، ارزش‌های ایرانی اسلامی را نیز حفظ کرد.

اگر در شهرنشینی نیز مردم به جای تقلید از فرهنگ بیگانه غربی به فرهنگ غنی و باارزش ایرانی روی آورند و فرزندانشان را نیز به جای فراموشی فرهنگ ایران به آن سوق دهند؛ می‌توان در شهرنشینی و فرهنگ نیز به موازنه رسید که این امر باعث می‌شود معماری نیز رنگ و بوی ایرانی اسلامی بگیرد البته با تلفیق مدرنیته که در نتیجه باعث حفظ ارزش‌ها و برپایی دوباره شهر ایرانی اسلامی با موازین کامل شهرسازی و حفظ فضاهای سبز و ورزشی و شود.

۴- نتیجه گیری

شهرسازی و شهرنشینی در قرون اسلامی و تا چند دهه پیش دارای ویژگی‌های ایرانی اسلامی خاصی بود که با ورود مدرنیته و انقلاب صنعتی در جهان باعث ورود و دگرگونی‌هایی در ظاهر و کالبد و بافت شهرهای ایران گردید و شهرنشینی به سرعت رشد پیدا کرد و شهرهای ایران کاملاً تغییر پیدا کردند، همان‌طور که ویژگی‌های شهرهای ایرانی اسلامی در بخش اول مقاله اشاره شد در بخش دوم به ویژگی‌های مدرنیته و تغییراتی که مدرنیته در شهرهای ایرانی اسلامی به جای گذاشت اشاره شده است و در پایان نیز که هدف اصلی مقاله بوده به تلفیق شهرسازی ایرانی اسلامی با مدرنیته پرداختیم، به طوری که شهرهای ایرانی اسلامی دارای ارزش‌های والای خود و دارای نظم و برنامه‌ریزی خاص خود بودند. شهرهای ایرانی اسلامی دارای مشکلات و کمبودهایی نیز بودند که این کمبودها را می‌توان با ابزارهای مدرنیته برطرف کرد و به یک موازنه صحیح و منطقی در زمینه استفاده از مدرنیته در شهرسازی و شهرنشینی رسید. امری که اگر مدرنیته بدون توجه به ارزش‌های ایرانی اسلامی استفاده شود، خود باعث بروز مشکلاتی و از بین رفتن فرهنگ غنی ایرانی اسلامی می‌گردد. بنابراین می‌توان پیشنهاداتی به این صورت ارائه نمود:

- حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی مردم به جای تقلید از فرهنگ بیگانه؛
- استفاده صحیح و منطقی از فناوری‌های ارتباطات و نوین در زمینه فرهنگ شهرنشینی؛
- تلفیق صحیح شهرسازی مدرنیته و ایرانی اسلامی با تأکید اصلی بر فرهنگ ایرانی اسلامی؛
- بازگشتن روابط محله‌ای و همسایگی به محلات و کوچه‌های شهر؛
- استفاده از نمادهای ایرانی اسلامی در معماری فضاهای عمومی شهر؛
- معماری اصولی با توجه به شرایط آب و هوایی و شرایط جغرافیایی منطقه که در شهرهای ایرانی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

منابع

- اشرف، احمد (۱۳۵۷)، **شهرنشینی در ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی**، تهران، گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- اوستروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۱)، **شهرسازی معاصر**، لادن اعتضادی، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸)، **مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی**، دفتر اول و دوم: وحدت وجود و وحدت شهود، کیمیای خیال، سوره مهر، تهران.
- بمانیان، محمدرضا؛ عظیمی، سیده فاطمه (۱۳۸۹)، انعکاس معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی در طراحی معماری، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۱، شماره ۲، ۴۸-۳۹.
- پیگولوسکایان. و دیگران (۱۳۴۵)، **تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان سده هجدهم میلادی**، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام تهران.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، **اقتصاد ایران**، انتشارات نشر نی تهران.
- عمید، حسن (۱۳۸۱)، **فرهنگ عمید**، چاپ بیست و پنجم، جلد ۲، امیرکبیر، تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۹)، **تگاهی بر تفکر اجتماعی معماری ایران در آئینه سنت و مدرنیته**، معماری و شهرسازی.
- کاستیائیدز، آنتونی (۱۳۸۱)، روح معماری در بنیان مدرنیسم، **آبادی**، زمستان ۸۱، شماره ۳۷.
- مستوفی الممالکی، رضا (۱۳۴۵)، **جغرافیای شهری ایران**، دانشسرای عالی یزد.
- مشهدی‌زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۴)، **برنامه‌ریزی شهری در ایران**، انتشارات علم و صنعت ایران، چاپ دهم، ۱۳۹۰.
- مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ضوابط و شاخص‌های لازم جهت بازایی هویت شهرسازی و معماری اسلامی - ایرانی، معاونت شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴.
- مفید، حسین (۱۳۷۸)، به دنبال وجود ادراکی در فضاهای معماری، **مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- مک لود، دیوید (۱۳۸۳)، **پست مدرنیسم و برنامه‌ریزی شهری، معماری و فرهنگ**، ترجمه غزال کرامتی و امین یارزاده.
- نصر، سیدحسین (۱۳۷۵)، **هنر و معنویت اسلامی**، ترجمه: رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
- هادی جابری مقدم، مرتضی (۱۳۸۴)، **شهر و مدرنیته**، انتشارات فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران.
- ضمیران، محمد (۱۳۸۳)، **مدرنیسم چیست؟، معماری و فرهنگ**، سال ششم، شماره ۱۹ و ۱۸.